

# تحلیلی جامعه‌شناختی بر توسعه فرهنگی در قرآن

(برداشتی از سوره‌ی آل عمران)

نگارش: دکتر فرهاد امام جمعه

مدخل:

یکی از گرایش‌های جامعه‌شناسی دینی آن است که بدانیم که در ادیان یا به طور خاص یک دین مانند اسلام چه نوع دیدگاه و معیارهایی برای مقوله‌ی توسعه و دگرگونی فرهنگی وجود دارد؟ بررسی در حوزه‌ی آرمان‌های پیشی ادیان که در این مقاله "قرآن" می‌باشد در قلمرو جامعه‌شناسی دینی واقع می‌شود. هدف آن است که چگونه می‌توان با ادبیات بحث‌های جامعه‌شناختی از فضای معنوی و بینشی قرآن در موضوع توسعه فرهنگی الهام گرفته و بهره‌برداری نمود. آیا می‌توان به یک چند از قضایا و مبانی نظری مورد نیاز دست پیدا کرد؟ به علاوه آیا می‌توان برای توسعه‌ی فرهنگی جامعه یک دیدگاه و نگرش علمی برگرفته از قرآن اسلام اختیار کرد؟ به نحوی که به مبانی فکری و پایه‌های بنیادی یک نظریه جامع و درون‌زا و بومی در راستای اهداف توسعه‌ی فرهنگی و اجتماعی جامعه رسید؟ آنچه در این مقاله دنبال می‌کنیم بدست آوردن این مبانی فکری بر اساس مطالعه و استنتاج از آیات قرآنی است. محدوده‌ی این مطالعه آیات سوره‌ی آل عمران است. طرح مسأله‌این مقاله را می‌باید در کل سوره بررسی و واری نمود که نگارنده طی یک دوره‌ی مطالعاتی، چنین قصدی را دنبال می‌کند. اگر چه می‌توان این موضوع را در قالب یک طرح پژوهشی در کل قرآن مطالعه و دنبال کرد. اما در این فرصت کوتاه، هدف طرح‌آینده‌ی آغازین موضوع را داشته و می‌خواهیم این‌اندیشه را بسط داده و در ابعاد گوناگون "فرهنگ‌شناسی" مورد بررسی قرار بدهیم.

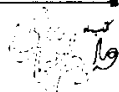
کلید واژگان: توسعه و رونق، فرهنگ و توسعه

توسعه به معنای وسعت یافتن و گرایش مردم یک جامعه به سوی ارزش‌ها و آرمان‌های انسانی به مقتضای فرهنگ جامعه می‌باشد. ارزش‌ها و آرمان‌ها و الگوهایی که جهت مطلوب و کمال دارند و به نوعی بهبود و بهتر شدن را در جامعه رقم می‌زنند. توسعه برای آن است که انسان بتواند از میزان رنج‌ها و دردها و آلام خویش بکاهد و بر میزان آسایش و خیر و برکت و آرامش خویش بیفزاید.

از عمده‌ترین ریشه‌های ایجاد درد و آسیب و رنج در زندگی بشر، وابستگی او به شهوات و حرص در امیالی چون: زراندوزی، جنسیت‌گرایی و همین‌طور گرایش به مرکب‌ها و منازل گوناگون ... حتی

جاه و مقام و شهرت‌های کاذب می‌باشد. انسان احساس و تصور می‌کند هرگاه به امیال و عاقبت جویی‌هایش نمی‌رسد، دچار رنج و آسیب شده است. بنابراین بسیاری از رنج‌ها و دردها و آزارهای مردم ریشه در امیال ناکام و تأمین نشده‌ی شان دارد. بسیاری از ستیزه‌ها و آزارها و تعدی‌ها و تجاوزهای مردم که ضد توسعه یافتگی فرهنگی و اجتماعی عمل می‌کند، اساس و بنیاد آن در گرایش درونی و پایدار به سمت و سوی این‌گونه تمایلات دارد.

پروژه‌ی ایجاد و احیاء توسعه‌ی فرهنگی قرآن آن است که آدمی به مرحله‌ای از بلوغ معرفت و بینش تربیتی برسد که از تمام این گونه تملقات و علائق تمایل دهنده به سوی حرص و آز بگذرد و مدام



تکیه بر تقوی و دانش در طریقت کافری است  
راه رو گر صد هنر دارد توکل بآیدش

متأسفانه برخی به نام تقوی نمی‌توانند شادی دیگران و حتی شادی خود را تحمل کنند. شادی، حق و عنایت مخلوقات خداست. همین طور بهره مندی از نعمت‌های خوراکی، پوشاکی و زیستی و رفاهی و... مهم این است که این شادی‌ها و خوش بودن‌ها تقلیدی و کلیشه‌ای ایجاد نشوند؛ شادی و خوشی، خودش بیاید و مشتریان بی ادعا و مخلص خود را پیدا کند و مردم را به آن طرب حقیقی و راستین قرین و نزدیک سازد. از این رو شادی، خوشی و بهره‌وری از مواهب و نعمت‌های خوب زندگی نه تنها عیب نیست بلکه بسیار عالی است و موجبات تأمین و تعادل و تعالی انسان را فراهم می‌کند. میزان تنها آن گونه معرفت و تربیتی است که بتواند افراط و تفریط امیال را تشخیص داده و برای مصفا بودن روح و روان انسانی، آن کشش‌ها و گرایش‌های غیر متعادل را مراقبت و کنترل نماید.  
حافظ در ضرورت مراقبت تعادل بخش می‌فرماید:



راز دور ماندن از اصل  
هستی و زندگی آن است  
که مردم لطیفه کشش و  
عشق و گرایش به سوی  
اصل خوبی‌ها و زیبایی‌ها  
و نعمت‌ها را فراموش  
کرده‌اند.

اگر مردم بجویند و  
جستجو کنند که به حال  
عشق و اتصال به مبداء  
خویش، و مبداء همه چیز  
در عالم برسند، در نتیجه  
هیچ گاه احساس ندامت  
و نگرانی نداشته و در  
حال شادی و وحدت خاطر  
می‌توانند بسیاری از امور  
و مسائل زندگی را نیز حل  
و فصل نمایند.



دراندیشه و فکر بازی در نقش‌های راستین و حقیقی اش باشد. اگر انسان توجه به حسن عاقبت خویش در امور گوناگون زندگی داشته باشد و نقش‌هایش را مخلصانه و زیبا بازی کند به چنان مقامی نائل می‌شود که به اصطلاح مقام معرفت به سعادت و خوشبختی در زندگی است. خداوند می‌فرماید:

مردم را آرایش حبّ شهوات نفسانی که عبارت از میل به زنها و فرزندان و همیاهای زر و سیم و اسب‌هایی با نشان خوب و مزارع است جلوه گر شده و لیکن اینها همه متاع زندگانی دنیاست و نزد خدا همان بازگشت نیکو مهم است. (آل عمران، ۱۴)

زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطیر المقنطره من الذهب و الفضة و الخیل المسومه و الاتعام و الحدیث ذالک متاع الحیات الدنیا و الله عنده حسن المآب. (آیه، ۱۴)

خداوند به عنوان جوهر خلق و هدایت و توسعه‌ی کشتی فرهنگ انسانی، می‌فرماید اگر می‌خواهید به راز نیکویی جاودانه در زندگی تان پی برده و نائل شوید به ماوراء و فراتر از متاع صوری و فانی دنیا در مقامی بالاتر و عالی نظر نموده و همت کنید تا به اصل ثابت و پر از برکت و نعمت و موهبت هر چیز نائل شوید. در این مقام است که مولوی (ره) می‌فرماید:

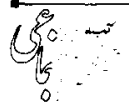
هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

راز دور ماندن از اصل هستی و زندگی آن است که مردم لطیفه‌ی کشش و عشق و گرایش به سوی اصل خوبی‌ها و زیبایی‌ها و نعمت‌ها را فراموش کرده‌اند. اگر مردم بجویند و جستجو کنند که به حال عشق و اتصال به مبداء خویش، و مبداء همه چیز در عالم برسند، در نتیجه هیچ گاه احساس ندامت و نگرانی نداشته و در حال شادی و وحدت خاطر، می‌توانند بسیاری از امور و مسائل زندگی را نیز حل و فصل نمایند.

در این حال، قابل توجه است که خداوند حکیم بارها و بارها در قرآن طرح قابل اجرای "تقوی" را تذکر و تأکید می‌فرماید: (برای نمونه؛ آل عمران، ۱۰۲):

یاایها الذین امنوا اتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون  
تقوی برای آن که آدمی در پوسته‌های ظاهری و قشری زندگی دنیوی متوقف نشده تا بتواند به اصل‌های ثابت و نیکو و جاودان که همانا محضر خالق کریم است، برسد. لطیفه معنوی، علمی - کاربردی تقوی برای چنین عرصه‌ای به کار آمده و قابل تحلیل و تفسیر می‌باشد. وقتی انسان می‌داند که غرق شدن در حرص و افراط در زراندوزی و مانند آن شخصیت آدمی را تقلیل داده و تک بعدی می‌کند، از این رو می‌باید مراقبه و پرهیز کند تا بتواند تحوّل بهتر و تعالی یابد. - اگرچه همین تقوی وقتی جنبه‌ی شکلی و ظاهری می‌یابد، حجاب راه می‌شود. به قول حافظ (ره):





در مقامات طریقت هر کجا کردیم سیر  
عافیت را با نظر بازی فراق افتاده بود  
و برای انعکاس آرامش و تعادل روحیه و شخصیت انسانی در  
جای دیگر اشاره می‌کند:

گلمذاری ز جهان گذران ما را بس  
زین چمن سایه آن سرو روان ما را بس  
بنشین بر لب جوی و گذر عمر ببین  
که این اشارت ز جهان گذران ما را بس  
یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم  
دولت صحبت آن مونس جان ما را بس  
هنگامه رونق در فرهنگ از نگاه قرآن

یکی از لحظه‌های رونق زندگی و فرهنگ مردم آن هنگامی است که خداوند، اولیاء مقام وحدت خویش را بر سر سفره‌ی با رحمتش فرا می‌خواند. در این حالت بسیاری از نیازهای توسعه پاسخ داده می‌شود. وقتی گره‌های کور مناسبات اجتماعی- فرهنگی باز می‌شود که اهل ایمان در حال شهود بارش رزق و روزی برای اولیاء الهی باشند. در این مقام است که می‌توان از ظلمت به سوی نور حرکت کرد و کیسه‌های فقر خویش را پر از عنایات خدایی نمود. به نظر می‌رسد فرهنگ‌های دوستدار و طالب توسعه از دیدگاه قرآن می‌باید که حامی و مشتاق زیارت اولیاء خدا باشد- نه آن که موجبات انزوا و آزار و اذیت و تکدر خاطر و بی‌امنتی‌ایشان را فراهم نمایند. بدیهی است که در این صورت، مردم با بحران و بلایا و تنگدستی‌ها و گره‌های فراوان مواجه می‌شوند. در نظر داشته باشیم که زمین فرهنگ و جامعه هیچ گاه خالی از حجت به معنی اولیاء دولت پاینده الهی نیست. جهان پر از حجت است. چشم بینا و جستجوگر می‌خواهد که

ببیند و پس از دیدار به قدرت فائقه‌ی خدا پناه برد، شکر و سپاس گوید و بخواهد آنچه خداوند به او ایده‌ی رونق و توسعه‌ی زندگی عطا می‌فرماید. این صحنه‌ی اعجاز گر و با کرامت شگفت آور خدایی را می‌توان در داستان حضرت مریم (س) در قرآن ملاحظه نمود. وقتی زکریا برایشان (حضرت مریم (س)) وارد می‌شود، می‌بیند روزی‌ها و میوه‌های خوردنی خاصی در نزد حضرت است. می‌پرسد که اینها از کجا آمده؟- اگر چه در دل حدس می‌زند که خبری هست!

ممکن است این حجت الهی زن باشد یا مرد. مهم آن است که او پناهنده تمام عیار خداوند است و جز او کسی را ندارد، کسی را نمی‌جوید و کسی را نمی‌خواهد و از این رو به عنایت الهی از شر شیطان رانده شده است!

حضرت مریم (س) می‌فرماید: این روزی‌ها از جانب خدا آمده است. زکریا در این حال دست به دعا بر می‌گشاید و خداوند دعای او را مستجاب می‌فرماید و فرزند ذکوری در عین پیری و سالخوردگی خود و همسرش به او عطا می‌کند.

پس یکی از کلیدهای توسعه‌ی حقیقی و موفق جوامع و فرهنگ‌ها آن است که میدان و فرصت‌هایی را فراهم نمایند که اولیاء خدا در آن ایمن و آسوده مشغول به زندگی و ذکر و فکر آزاد الهی شان باشند، و تحت آزار و آوارگی قرار نگیرند. از این رو فرصت‌ها و امکان‌های فراوان توسعه فرهنگی، اجتماعی و... در جامعه زاده شده و به کار گرفته می‌شود. قرآن می‌فرماید که:

هر وقت زکریا به صومعه عبادت مریم (س) می‌رفت، روزی شگفت آوری می‌دید، می‌گفت ای مریم این روزی از کجا به تو می‌رسد. پاسخ می‌داد همانا این روزی از جانب خداست که همانا خدا به هر که خواهد روزی بی حساب می‌بخشد. (آل عمران / ۳۷)



كلما دخل عليها زكريا المحراب وجد عندها رزقا قال يا مريم اني لك هذا قالت هو من عندالله ان الله يرزق من يشاء بغير حساب (آیه ۳۷) توسعه فرهنگ و دشواری آن:

اگر توسعه در تعامل با فرهنگ را عبارت از تخلُّق مردم به ارزش‌های عالی معنوی بدانیم مانند:

- ۱- حقیقت‌گرایی و پی بردن به راز آفرینش،
- ۲- سازندگی و فرزاندگی،
- ۳- اعتدال و انصاف- دادگری،
- ۴- بصیرت و بینش خلاق،
- ۵- سلامت جسم و روان،
- ۶- رسیدن به راز جاودانگی،
- ۷- فهم جریان تبدیل‌مردگی به زندگی.

این ارزش‌ها به عنوان الگوها و هنجارهای رفتار فرهنگی به سهولت و سادگی بدست نمی‌آیند. آدمی باید مسیرها و موانع صعب و دشواری را طی کند تا بتواند در عمل به‌این نوع ارزش‌ها در عرصه‌ی گسترده رفتار فرهنگی برسد. و مهم‌ترین این مسیرها عبارتند از:

الف- تقوی،

ب- اطاعت از اولیاء و مدل‌های حقیقی.

البته پیگیری این مسیرها کار دشواری است. تقوی به قول اهل لغت زبان عربی واژه‌ی چندان قابل ترجمه‌ای به زبان فارسی نیست. تقوی یعنی حرکت در یک شب تاریک و ظلمانی به نحوی که انسان بتواند جلوی پایش را کنترل کرده و صدمه نخورد- و البته‌این امر کار دشواری است. به همین دلیل بسیاری از مردم از برنامه‌ی تقوی سرباز می‌زنند و دعوت اولیاء و انبیاء الهی را مسخره یا انکار می‌کنند. زیرا سخت و دشوار است که انسان از تاریک‌خانه‌ی خواسته‌ها و توهمات شخصی اش بگذرد و رو به سوی حقیقت کند. تا زمانی که بشر غرق در توهمات و شهوات خویش است و جهان و دیگران را برای خود فانی و بیکر مردار خویش می‌خواهد، آن قدر بیچاره و بدبخت می‌شود که نمی‌تواند به سوی توسعه و تعالی در فرهنگ انسانی، چند قدمی پیش نهد. ضمن آن که انسان به خود عادت می‌کند و بوی آلوده‌اش برای او معمول و خوش بو می‌نماید!! غافل از آن که عطر تربیت و توسعه‌ی فرهنگی بسیار فراتر و بالاتر است و آدم باید بتواند مراتب بلند توسعه و تعالی در فرهنگ انسانی را تجربه کرده و قدری از آن رایحه‌ی خوش بو و حیات بخش حقایق بلند فرهنگ معنوی انسانی را به دیگران نیز نشان بدهد.

از این روست که مردم علیرغم آن که کرامت‌های خارق‌العاده و الهی (و ماوراء مادی) اولیاء خدا مانند عیسی (ع) را می‌دیدند اما در عمل از دعوت به تقوی و اطاعت الهی از وی سرباز زدند و نخواستند او را یاری و همراهی نمایند. چرا؟ برای آن که از اجرای پروژه‌ی تقوی و اطاعت محض از اولیاء خدا سر باز زدند. زیرا گذشت از توهمات طمع و رزانه انتفاعی کار بسیار دشواری است و محتاج آن

چنان هوش و درایتی است که آدمی بتواند به سهولت و هوشمندی و اعتقاد مصمم از لجن زار خواسته‌های نابه حق شخصی خویش بگذرد تا به گلستان عالم معنا و توسعه‌ی فرهنگی وارد شود. از این رو می‌توان تجسم عینی ارزش‌های عالی توسعه‌ی فرهنگی مانند حق جویی، دادگری، کار خلاق، دوستی انسجام دهنده، نوآوری علمی و فنی و غیره را در جامعه ملاحظه کرد. قرآن مسیر بحث را به ظرافت و دقت ترسیم می‌نماید و نشان می‌دهد چگونه مردم از بشارت و توصیه و همراهی اولیاء خدا که دوستدار ارزش‌های پاینده‌ی معنوی هستند سرباز می‌زدند. می‌فرماید که:

و خداوند به عیسی(ع) تعلّم کتاب و حکمت کند و تورات و انجیل آموزد (۴۸)

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستند که به آنان گوید من از طرف خدا معجزه‌ای آوردم و آن معجزه‌این است که گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن نفس قدسی بدمم تا به امر خدا مرغی گردد و کور مادرزاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم و مردگان را به امر خدا زنده گردانم و به شما از غیب خیر دهم که در خانه‌هایتان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید این معجزات برای شما حجت و نشانه حقایق من است اگر اهل ایمان هستید(۴۹).

..... و از طرف خدا برای شما معجزه و نشانه آوردم که از خدا بترسید و مرا اطاعت (اتقواالله و اطیعون) (۵۰).... چون عیسی (ع) به یقین دریافت که قوم ایمان نخواهند آورد گفت کیست که با من دین خدا را یاری کند حواریون گفتند ما یاری کنندگان دین خدائیم و ایمان به خدا آورده‌ایم، گواهی ده که ما تسلیم فرمان اویم (۵۲).

فلما احس عیسی منهم الکفر قال من انصاری الی الله قال الحواریون نحن انصار الله امانا بالله و اشهد بانا مسلمون (آیه ۵۰).

نتیجه:

بنابراین نتیجه می‌گیریم که طی راه توسعه‌ی فرهنگی به معنای رسیدن عملی به ارزش‌های مطلوب و مورد نیاز انسانی مانند: دادگری، دانایی، دوستی انسانی، حق جویی و خلاقیت علمی و معرفتی، سازندگی و خدمت صالح و ماندگار و.... کار ساده و روزمره و عادی نیست و محتاج روحیه و تربیتی است که اگر مردم بتوانند حجاب بسیاری از عادات تکراری و سفله‌ی شخصیتی و روحی شان را تغییر دهند و به حریم واقعی اطاعت از بزرگان علم و تجربه نایل شوند، در این راه از جمله کارگزاران موفق راه توسعه‌ی فرهنگی خواهند شد. اعتقاد نگارنده این است که مطلب مختصر بیان شده تنها فتح باب مقدماتی توسعه و دگرگونی فرهنگی از دیدگاه قرآن (در سوره آل عمران) است و حال آن که این بحث می‌تواند سلسله‌ای از ایده‌های استنباطی و مستند دیگری را به خود اختصاص دهد. امید است که توفیق ادامه این بحث داده شود.

